

یک مرگ زنانه دیگر؟

درباره محکومیت شریفه محمدی



آرش ملکی

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

در اخبار آمده که حکم صادره توسط دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان رشت مبنی بر سلب حیات از شریفه محمدی به اتهام ارتکاب بقی توسط دیوان عالی کشور تأیید شد. این خبر یعنی اکنون وفق تبصره ماده ۵ از «آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلند، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین»، پرونده به منظور اجرای حکم به معاونت اجرای احکام کیفری یا دادستان ارجاع خواهد شد. درباره جزئیات این پرونده، غیر از اخبار پراکنده اعلامی توسط وکیل متهم چیز دیگری نمی‌دانیم؛ لیک بدین مهم واقفیم که اعدام یک زن به اتهامی غیر از قتل یا حمل و نگهداری مواد مخدر، آن هم در شرایطی که اخبار قتل‌های حیثیتی، پیوسته همچون آوار بر سرمان هوار می‌شود به التهاب نسبی در جامعه دامن زده، و بر افکار عمومی اثر منفی قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت. حال باید بدینی چیست‌و در نظام حقوقی ایران چه جایگاهی برای آن تعریف شده است. بُنی‌واژه‌ای فقهی است که بارها در قرآن تکرار می‌شود. مفهوم لغوی آن خروج از حد بوده، و در اصطلاح خروج از اطاعت امام عادل و بر حق معنی شده است. قاعده مقرر در سوره حجرات (آیه ۹) مهم‌ترین پشتوانه تفسیری بقی است، و فقه‌ای بر جسته‌فقه امامیه-همچون صاحب‌جاه-را از آن به قیام‌در برابر حکومت اسلامی تعبیر نموده‌اند. ماده ۲۸۷ از قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز این فعل را بدین شکل مورد جرم‌انگاری قرار می‌دهد: «کروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.» عنصر مادی این جرم، خروج بر حاکمیت (به معنای اقدام عملی علیه حاکمیت) است که نباید با خروج

از حاکمیت (به منزله تمرد از فرمان‌بر حاکم) یکسان فرض شود. عنصر معنوی بقی نیز اراده و قصد براندازی اساسی نظام جمهوری اسلامی است. گرچه این ماده تاکنون از سوی مجلس شورای اسلامی تفسیر نشده، اما دکترین حقوقی قویا باور دارد تحقق بقی منوط به این واقعیت است که شخص، رأساً علیه حکومت اسلامی از سلاح استفاده نماید. نکته‌ای که به نظر می‌رسد در پرونده حاضر تعیین‌کننده باشد. خارج از دایره حقوق و قانون، توجه به پیامدهای اجتماعی هم‌متغیری است باید در یک تصمیم قضایی لحاظ شود. تردیدی نیست که خشونت علیه زنان از رهگذر فراوانی در حال حاضر یک معضل اجتماعی اساسی است که از علل آن می‌توان به نبود قوانین کارآمد اشاره داشت. در حال حاضر، نظام حقوقی ایران قانونی جامع برای حمایت از زنان در قبال آسیب‌های اجتماعی فراگیر ندارد. علاوه بر این، پیوستن به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) به محاق رفته، و تصویب لایحه «پیشگیری از آسیب‌پذیری زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءقمار» هم گرفتار در بن‌بست بوروکراسی تقنینی است. لیکن این امکان فراهم است که حاکمیت با خودداری از سخت‌گیری قضایی در مورد شریفه محمدی - که مجازات او با تأمین عدالت و قسط به عنوان غایت مجازات اسلامی نیز چندان هماهنگ به نظر نمی‌رسد- نشان دهد که به این خلأ حقوقی بی‌تفاوت نیست. مدت‌هاست که جامعه ایرانی هر چند وقت یک بار با شنیدن خبر مرگ خشونت‌بار یک زن نجر به‌ای از بهت و ناراحتی جمعی را از سر می‌گذرانند، زنان و دخترانی همچون روزین عطیمی، شهید کارکردگر، فاطمه صادقی، کانی عبداللهی، الهه حسین‌نژاد و بسیاری دیگر، از قربانیان سازکار نامطلوب تأمین امنیت زنان هستند؛ و چه‌ساز زنان و دخترانی که به واسطه استمرار وضع موجود در آینده نام آنها به این سیاهه افزوده می‌شود. تغییر وضعیت کنونی، دشوار اما دست‌یافتنی است. اعاده دادرسی در پرونده شریفه محمدی اقدامی کوچک اما بسیار اثرگذار خواهد بود که در چارچوب آن پیام‌بازگری در جایگاه حقوقی زنان به جامعه آلاء خواهد شد. این مهم با پیگیری مجدانه وزارت دادگستری قابل حصول بوده، و در صورت تحقق هم ردیف رفح فیلترینگ از و اساتپ و مقابله با اجرای قوانین حجاب و عفاف، و مجازات انتشار اخبار خلاف واقع به عنوان آعمالی که مطالبه واقعی افکار عمومی هستند. در کارنامه دولت درج خواهد شد. ایرانیان به شنیدن خبر یک مرگ زنانه دیگر هیچ احتیاجی ندارند.

ادامه از صفحه اول

کنترل یکی از ارکان قدرت با تکیه بر یک جنبش سیاسی، دست‌آورد بی‌نهایت تشک‌کننده و ضعیفی است که در درجهٔ اول، قادر به تعیین نسبت دقیق خود با صورت‌های قانونی جاری نیست. در کشورهای بر‌خوردار از دموکراسی نهادینه‌شده، صورت و محتوای قانون بر هم منطبق «حکومت قانون» کاملاً معنادار است. به همین جهت تکنیک یک حرکت قانونی از غیرقانونی تقریباً راحت و آسان است. در کشورهایی با پیشینهٔ کشور ما، اما چیزی به اسم «حکومت قانون» اسم بی‌مسمایی است چرا که معمولاً صورت و سیرت قانون بر هم منطبق نیست و همین نکته سبب بروز مناقشه می‌شود. اگر سرشت قانون را تبلور ارادهٔ آزاد و آگاهانهٔ اکثریت مردم یک جامعه بدانیم، در بسیاری اوقات این سرشت، قربانی ترفندهای ناشی از ایجاد محدودیت در مسیر انتخاب جامعه می‌شود و از قانون، جز شکل و صورتی باقی نمی‌ماند. در حقیقت، جنبش‌های سیاسی نوعی طغیان مدنی علیه قوانین صوری و اتمسمایی است چرا که عمده‌ا صورت و سیرت قانون بر هم منطبق این طریق محقق سازند. چنین حرکتی بدون تناقض نیست زیرا از یک سو هر اقدامی باید بر اساس صورت قانون حاکم، توجیه و غیر مجرمانه معرفی شود و در عین حال، ناآدا لانه و صوری بودن آن قانون هم مورد تأکید قرار گیرد! به همین دلیل است که جنبش‌های سیاسی بین محافظه‌کاری و تمرد دست و پا می‌زنند و چنانچه توازن قوا و گردش افلاک به نفع‌شان نباشد، با درغلطیدن در یکی از این دو سو، با قلب ماهیت می‌دهند یا در معرض هضم یا نابودی قرار می‌گیرند. جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران هم ماهیتی چنین داشت. درست به همین علت، سنجش رفتار و عملکرد رهبران آن با صورت‌های قانونی آن روز، امری از اساس گمراه‌کننده است و به جدل‌های بی‌ارزش و بی‌سرانجامی بر سر کودتا یا غیرکودتا نامیدن ماجرای ۲۸ مرداد منجر می‌شود. از این رو، نقد عملکرد رهبران جنبش ملی به خصوص مرحوم دکتر طغیان‌ها منظر انطباق رفتارشان با صورت‌های قانونی آن دوران به اندازه رفتار قنادر یک زندانی سیاسی بر اساس آیین‌نامهٔ زندان‌ها، خالی از وجاهت است!

همانطور که یک زندانی سیاسی فقط به بخش‌هایی از آیین‌نامهٔ زندان‌ها که به نفع حقوق اوست استناد می‌کند و بخش‌های مغایر این حقوق را م‌طرد می‌داند، یک جنبش سیاسی هم صورت‌های قانونی جاری همسو با حرکت خود را از پررنگ و صورت‌های ناهم‌سوسان را نقد و رد می‌کند. از این رویک جنبش سیاسی مانند جنبش ملی شدن صنعت نفت را نه بر اساس رعایت مو به موی قوانین صوری حاکم در زمان‌شان بلکه بنا به نوع استراتژی آنها باید نقد و داوری کرد. ملاک داوری دربارهٔ استراتژی حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی، میزان دستیابی آنها به اهداف‌شان است. اگر جنبشی به اهداف اعلام‌شدهٔ خود در مقام عمل دست یابد، استراتژی آن را باید صحیح و مناسب دانست و اگر دست نیافته باشد، استراتژی آن معیوب و نامناسب بوده است.

واضح است که جنبش ملی شدن صنعت نفت به هدف اصلی خود که همانا وادار کردن قدرت‌های جهانی به پذیرش ملی کردن صنعت نفت ایران و به تبع آن، تحکیم اصول مشروطیت بود، دست نیافت و بر اثر این ناکامی، دیگر دست‌آوردهای جامعهٔ ایرانی به‌خصوص تکرر سیاسی و مدنی و قضای به نسبت آزاد مطبوعات و احزاب و سندیکاها را نقد و رد در ابتدای امر، این داوری بسیار بی‌رحمانه‌ای نسبت به جنبش ملی رهبر فقید آن به نظر می‌رسد و به منزلهٔ بالا رفتن از دیوار کوتاه است! قاعدتاً در صداقت و نیت خیر و اهداف ملی و متعالی دکتر مصدق و بسیاری از همکاران او تردید جایز نیست اما در سیاست، صداقت و نیت خیر و اهداف متعالی لزوماً به نتیجهٔ دلخواه و مثبت ختم نمی‌شود. از طرفی تاریخ هم داور واقعاً بی‌رحمی است و توبه به توبه و بر اساس تجربیات نو، پیشینیان را در معرض داوری‌های تازه قرار می‌دهد و باعث تجدیدنظر در عملکرد آنان می‌شود. نه از منظر حق طلبانه، بلکه از منظر استراتژیک بزرگترین خطای مرحوم مصدق اولویت بخشیدن به «ملی کردن صنعت نفت» با نوع تعریف خود و همکارانش از این مسئله و قدسیت بخشیدن به آن به عنوان امری حیثیتی و ناموسی و شرافتی

تیتریک

HEADLINE ONE

گزارش یک



پزشکیان در جمع ایرانیان ارمنستان مطرح کرد:

نباید در حصار خود ساخته بمانیم

وا اشتراکات تمدنی میان دو کشور، ضمن ابراز خرسندی از حضور در این جمع، به قرانت شعر معروف سعدی در این جمع اشاره کرد و اظهار داشت: «اگر همین شعر «بنی آدم اعضای یکدیگرند...» را مبنای تفکر و عمل خود قرار دهیم، بسیاری از مشکلات حل می‌شوند.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه در قرآن کریم حتی فراتر از این شعر، آمده است که انسان‌ها هیچ تفاوت و برتری نسبت به یکدیگر ندارند و ملاک برتری افراد صرفاً تقواست، افزود: «تقوا یعنی تفکر و حرکت بدون خطا و این یعنی اینکه برتری افراد به این است که زندگی‌اش بیشتر برای دیگران مایه خیر و برکت باشد و کمتر از او به دیگران آسیب و زیان برسد.»

پزشکیان با اشاره به محبوبیت هموطنان ارمنی و به‌طور کلی ارمنی‌ها در جامعه ایران تصریح کرد: «در اشعار شاعران بزرگ فارسی همواره به سلامت نفس و درستکاری هموطنان ارمنی اشاره و از آن

گزارش دو

بیانیه پرواکنش

مخالفان اصلاحات و بخشی از اصلاح‌طلبان از بیانیه جبهه اصلاحات انتقاد کردند

قهرمان ایران پاسخ دندان‌شکنی خواهند گرفت چرا که ملت ایران به همراه نیروهای مسلح مقتدر و بسیج میلیونی مردمی، به حمایت الهی که «خیر الماکرین» است متکی می‌باشد از مسئولین محترم کشور انتظار می‌رود این بار به شکلی ورود کنند که متوهمان براندازی به‌فهمند که بین برخورد با خیانت و حماقت، فرقی اساسی وجود دارد.»

هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای

علی مطهری، نماینده‌ادوار مجلس واکنشی منفی اما ملایم به این بیانیه نشان داد: «در بیانیه جبهه اصلاحات ایران پیشنهاد شده است که «تعطیل داوطلبانه غنی‌سازی و پذیرش نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مقابل رفع کامل تحریرها» اجرا شود. با این حال، بعید است که طرف مقابل این پیشنهاد را بپذیرد و احتمال دارد درخواست‌های جدیدی درباره مسائل موشکی و منطقه‌ای مطرح شود. تا زمانی که موجودیت اسرائیل در منطقه پذیرفته نشود، کوتاه نمی‌آیند.»

راهبر دمو ساد است!

عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای اصولگرا یک گفت‌وگو با روزنامه صبح نو (نزدیک به قالیباف) در این مورد انجام داد و در توضیح نیز درباره آن نوشت: «از جمله راهبردهای رسانه‌ای موساد برای موساد اینترنشنال خاص دوران پس از جنگ عبارت است از: ۱- القای گسترده‌ی نفوذ انسانی در ایران، ۲- دوقطبی‌سازی طرفداران و مخالفان غنی‌سازی. ترگس محمدی اولین چراغ مخالفت با غنی‌سازی را روشن کرد و از جایزه‌اش قدرشناس است. دومین مورد مخالفت با غنی‌سازی در بیانیه امروز جبهه اصلاحات آمده است. دیوار کل بیانیه را خواندم و باورم نشد مربوط به جبهه اصلاحات است. امثال عارف، پزشکیان، هادی خامنه‌ای، عطریان‌فر و چوچانی و... ذیل این بیانیه تعریف می‌شوند؟ ادبیاتش شبیه تاج‌زاده و همسرش هست. «و همچنین در گفت‌وگو با صبح‌نو نیز گفت: «آنچه از این جریان صادر می‌شود نه دغدغه معیشت و اقتصاد مردم، بلکه تلاشی برای بازگشت به قدرت یا عبور از نظام دینی است. این تصور که صرف‌طرح چنین اظهاراتی بتواند برای آنان دست‌آورد اجتماعی به‌همراه داشته باشد، اشتباه است. اگر واقعاً صادق باشند باید روشن بگویند مذاکره از منظر آنان به معنای معامله است و توضیح دهند آمریکا چه خواسته‌هایی دارد. اما تا زمانی که به کلی گویی بسنده می‌کنند، این رویکرد چیزی جز کاسبی سیاسی و اجتماعی نیست. بازگشت به مردم از نظر اصلاح‌طلبان یعنی بازگشت کسانی که به دلیل عبور از نظام دینی جایی در ساختار قدرت ندارند. هدف نهایی هم تشکیل حکومتی سکولار و دموکراتیک است نه توجه به مشکلات معیشتی مردم.» روزنامه صبح‌نو باتیتر «پیشنهاد مپار ایران» به این بیانیه پرداخت.

ارمنی‌ها در ایران بسیار عزیز هستند

پزشکیان در نخستین برنامه خود، در نشست با ایران‌شناسان ارمنی، پس از گوش سپردن به سخنان چند تن از آنان درباره نزدیکی فرهنگی

گروه خبر: بیانیه ۲۶ مرداد جبهه اصلاحات با عنوان «آشتی ملی؛ فرصتی طلایی برای تغییر و بازگشت به مردم» با واکنش‌های منفی و گاهی عصبی جریان اصولگرا و تندرو مواجه شد. بیانیه‌ای که راهکارهایی برای عبور کشور از وضعیت فعلی را پیشنهاد می‌کند و شامل گزینه‌هایی در حوزه سیاست داخلی و خارجی است که عمل به آن‌ها نیازمند تصمیماتی دشوار است. اصولگرایان به‌طور کامل واکنش‌هایی منفی به این بیانیه نشان دادند اما بعضی از آن‌ها تذتدر از دیگران بودند. به خصوص اینکه بخش عمده واکنش‌های آنان به بخش مربوط به اعلام داوطلبانه تعلیق غنی‌سازی، پذیرش نظارت آژانس، گفت‌وگوهای جامع با ایالات متحده آمریکا و عادی‌سازی روابط بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی بود. درحالی‌که این بیانیه ۱۱ بند دارد و وزن مسائل داخلی در آن بیشتر است. تا زمان تنظیم این گزارش، یک حزب و یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب نسبت به این بیانیه واکنش منفی نشان دادند.

ستون پنجم دشمن هستی!

روزنامه کیهان در شماره روز ۲۷ مرداد به‌طور ویژه این بیانیه را مورد توجه قرار داد. تیتیر یک کیهان این بود: «بیانیه جبهه اصلاحات، یا ترجمه فارسی سخنرانی تن‌تایهاو، «نکات‌تکمیلی برداشت کیهان از این بیانیه هم در یادداشت **حسین شرعیتمداری**، مدیرمسئول آن منعکس شد. شرعیتمداری با بازتعریف مفهوم ستون پنجم، به این نتیجه رسید که جریان اصلاح‌طلب ستون پنجم دشمن است. او در بخشی از یادداشت خود نوشت: «بعد از شکست اسررائیل و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه و بر باد رفتن آرزوی رسماً اعلام شده آنها برای تغییر نظام،

اسمر رمز فتنه

صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری درباره این بیانیه نوشت: «پس از شکست و عدم تاب‌آوری صهیونیسم جهانی در دفاع ۱۲ روزه، هم‌زمان و اشتراک مفهوم «تغییر پارادایم» در بیانیه اخیر جبهه اصلاحات و مقاله آقای برجام‌وموضع سران و اصحاب فتنه ۸۸ بیانگر کلیدواژه یا اسمر رمز فتنه جدیدی است برای شکستن ایران از درون که موجبات خوشحالی دشمن خارجی را نیز به همراه دارد. آنها از مردمی‌دم می‌زنند که روزانه نتیجه دروغ و بی‌حاصل بودن شعارهایی از قبیل «نه غزه نه لبنان» و «گلابی‌های برجام» و «عدم وقوع جنگ در صورت پیروزی نامزد اصلاح‌طلبان» به جای کمک و تمرکز بر حل مشکلات معیشتی مردم را می‌بینند و تجربه می‌کنند. متأسفانه متوهمان سکولار همچون گذشته درک درستی از آیه مبارکه «إِنَّ سَوْفَاتَهُمِ عَمِيقٌ دَر نَسِبتِ بَین شِرافَت و سیاست دامن‌زدند که هنوز هم گریبانگیر جامعه‌ماست.

مَیّ زَبی» که رهبری معظم اشاره فرمودند را ندارند و لذا این بار نیز از ملت